



درآمدی بر مذاکرات اسلام آباد

محمدکاظم انبارلویی

۱. یک سوال کلیدی مطرح است، ما چرابه اسلام آباد رفتیم؟

پاسخ روشن است. ترامپ پس از شکست در "دریا" برای کنترل تنگه هرمز و شکست مفتضحانه در "خشکی" در عمق خاک ایران در جنوب اصفهان و پایان یافتن رجزخوانی های ضرب الاجلی عقب نشینی کرد و طرح مطالبات ایران در قالب یک مذاکره جدید را پذیرفت.

جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ ۱۲ روزه و کودتای دی ماه و جنگ رمضان از دارایی های راهبردی رونمایی کرد.

سرخط سه قلم ازاین دارایی ها به شرح زیراست:

الف. ایران بزرگترین قدرت نظامی "دریا پایه" و "خشکی پایه" در غرب آسیاست.

ب. ایران با تسلط بر تنگه هرمز نوله سلاح ناشناخته خود را که در زیر اعماق زمین پنهان کرده بود روی شقیقه اقتصاد جهانی بویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی گذاشته است.

ج. جبهه مقاومت و سپاه قدس قدرتمند و مقاوم و پایدار است و یخشی از آن قدرت دریا پایه و خشکی پایه ایران است.

ملت ما خیلی هزینه کرده است تا این دارایی های راهبردی را بدست آورد. ملت ما باین قدرت پشت یک ابر قدرت جهانی مثل آمریکا و یک ابر قدرت منطقه ای مثل رژیم صهیونیستی را به خاک مذلت نشانداده است. همین قدرت آنها در جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان به التماس آتش پس رسانده است.

۲. هیات بلند پایه ایران به توثیت ترامپ اعتماد کرد و برای نقد کردن مطالبات دهگانه خود به اسلام آباد رفت. پس از ۲۱ ساعت گفتگو متوجه شد، طرف روی موضع تجاواگزارانه و زیاده خواهانه خود ایستاده و از مذاکرات فقط یک فرصت برای نفس تازه کردن و جمع و جور کردن تلفات انسانی و لجستیکی و آماربرداری از ضرباتی است که دریافت کرده است!

آنهادو هفته وقت گرفتند یک آواربرداری ازخرابی هایی که بآن روبرو هستند. داشته باشند و چرتکه بیندازند در این نبرد با ملت ایران چند چندهستند؟!

ترامپ، ونس را به اسلام آباد فرستاد که هم حال و هوای فرستاده ملت ایران به پاکستان را تنست کند و تصمیم نهایی ترامپ را عملیاتی کند.

تصمیم ترامپ چه بود؟ او تصریح کرده بود؛ "جنگ" را بدون توافق رها خواهم کرد".

لذا ونس پس از ۱۲ ساعت مذاکره که همه حرف و حدیث های زیرسقف گفتگو سرکاری بود، بیرون آمد و گفت: "به توافق نرسیدیم، من به آمریکا برمی گردم."

او گفت: " ایران شرایط ما را نپذیرفت، لذا به توافق نرسیدیم."

او فراموش کرده بود ترامپ گفته بود ما شرایط دهگانه ایران را پذیرفتیم و آن را مبنای مذاکره می دانیم. اصلا چیزی به نام شرایط آمریکا مطرح نبود که ما اصلا قبول کنیم یا نکنیم!

۳. آمریکایی ها به اسلام آباد آمده بودند تا یک "پنجره فرار" برای "گریز از جنگ پیدا کنند. اگر هم نتوانستند یک منفذی برای گشایش ولو محدود تنگه ایجاد کنند. لذا دناوشکن را ماموریت دادند و ا رد یک ماجراجویی دریایی شوند و از تنگه عبور کنند و موشک های کرور ایران روی بدنه ناو قفل شد و آنها یا به فرار گذاشتند. این باعث شد تنگه همچنان نه بسته، بلکه بسته تر شود.

۴. آتش بس دو هفته ای چند روز دیگر تمام می شود. به تعبیر امام محتبی خامنه ای " دوره سکوت صحنه نبرد نظامی" به پایان می رسد.

ممکن است آمریکایی ها باز به التماس بيفتنند، به اسلام آباد برگردند. یا دست به ماجراجویی جدید مثل ادعای محاصره دریایی ایران بزنند، یا تقاضای تمدید آتش بس کنند.

به نظری رسد به دشمن نباید مهلت داد، سکوت نظامی را باید شکست و بارانی از موشک و پهپاد را در سرزمین های اشغالی و پایگاه های آمریکا در منطقه فرود آورد. دلیل؟

ما در جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان مورد تجاوز قرار گرفتیم، ما در این دو جنگ رهبران را از دست دادیم، بهترین سربازان و رشیدترین فرماندهان خود را از دست دادیم. ما هزاران کودک و زن و مرد جوان از دست دادیم.

مناطق مسکونی ما را زدند، بیمارستان ها، مدارس و زیرساخت های ما را زدند. دشمن را نباید رها کرد تا رانوزدن آنها و اعلام پشیمانی و خاتمه تجاوز باید دنبال کرد.

ما در هیچ مذاکره ای حتی نباید از یک نخ عیای رهبر شهیدمان بگذریم تا چه رسد به خون دانش آموزان مدرسه شجره طوبه میناب که از پیش قراولان شهادت در این نبرد نابرابر بوده اند.

۵. باید آنچنان به آمریکایی ها و صهیونیست هاضربه رژیم که جرات نکنند درباره کم و کیف دارایی های هسته ای ما حرف بزنند. ذوالفقار موشکی و پهپادی ما آنچنان باید بر سرشان فرود آید که راجع به جدایی ایران از جبهه مقاومت اصلا حرف نزنند.

سر سربازان آمریکایی و تفنگداران دلتا فورس را زیر آب های نیلگون خلیج فارس آنقدر نگه داریم، که اصلا مشارکت در مدیریت تنگه هرمز یادشان برود.

آنقدر بر سر و صورت آنها بگوییم، تا فقط به چهار چیز فکر کنند:

الف. قبول کنند متجاوز هستند و باید غرامت بپردازند.

ب. بیساط خود را از عراق، سوریه و کشورهای خلیج فارس جمع کنند بروند و ملت ها و دولت های منطقه را به خود واگذارند.

ج. تخریم ها را بدون قید و شرط بردارند و بول های بلوکه شده ایران را آزاد کنند. د. به نسل کشی، ترور و جنایات جنگی در فلسطین اشغالی خاتمه دهند و حقوق

پایمال شده ملت فلسطین را به رسمیت بشناسند.

۶. مردمی که بیش از چهل و چند روز در خیابان ها و میادین شهرها در قواره یک بعثت الهی ظاهر شده اند و در تولید قدرت ملی سنگ تمام گذاشته اند، نیروهای مسلحی که در اعماق زمین آتش خشم ملت را در شلیک موشک ها و پهپادها نمایندگی می کنند و از همه مهمتر رهبر شجاع، مدبر، مدبر و هوشمند ملت حضرت آیه الله امام سید محبتی خامنه ای، به غیر آنچه گفته شد فکرنمی کنند و تا نابودی کامل دشمن ایستاده اند.

یادداشت

در یغار رهبر شهید؛ نه باطلی برای او ترئین می شد و نه حقی برایش ترسناک جلوه می کرد

رهبر لبخند آرمیتا و عقیق روح الامین

جواد شاملو

راه شناخت مردان بزرگ است؛ ببین که یک شخص چگونه به جزئیات توجه می کند، هرچه زبربین تر، بزرگتر. یک رهبر قاعدتا با کلان ترین مسائل سروکار دارد، برای او کاملاً قابل درک است که جزئیات و مسائل خرد به چشم نیایند. اما قائد شهید خدای توجه به جزئیات بود. این را از روایت سال گذشته حسن روح‌ال‌آمین می‌فهمیم که در اوج اخبار مربوط به سقوط حکومت سوریه، نمایشگاهی از آثار نقاشی، یا شاید تنها آثار خود آقای روح‌ال‌آمین در بیت برگزار شد و در آنجا آقا انگشتی از روح‌ال‌آمین می‌دهند. چند روز بعد از دفتر با روح‌ال‌آمین تماس می‌گیرند و می‌گویند آقا گفته فلانی اگر از رنگ نئگین انگشتن خوشش نیامد، بگوید یک انگشت دیگر به او بدهم، چرا که او هنرمند است و هنرمندان به جزئیات حساس‌اند! این را از روایت آقای شهیدی فرمی‌فهمیم که وقتی شهید مصباح‌الهدی باقری کنی از آقای پرسد چرا اینقدر برای ارمیتا وقت می‌گذارید؛ آقای فرماید او شهادت پدرش را دیده. روایت دیگری گوید حاج قاسم جلوی آقا، از سر لطف و شوخی به یکی از فرزندان شهدا می‌گوید هرکول؛ آقا می‌گویند هرکول آمریکایی است؛ بگو رستم دستان...

یاد علی بن ابیطالب نمی‌آفیم؟ آنجا که با غلامش قنبر به بازار رفت، هر دو پیرهنی خریدند اما پیراهن مولا برانزده‌تر بود، حضرت لباس نئوی خودش را به غلامش داد و فرمود تو چوایی...

مردان بزرگ دشتان محدوده کلان‌ترین مسائل سیاسی‌و اجتماعی‌می‌ماند. در کوران یکی از جنگ‌ها، کسی شربت رقیبی به امیرالمؤمنین سلام اله علیه می‌دهد، حضرت در آن مهره‌نفس‌گیر، از شربت تمجید می‌کند و تشخیص می‌دهند عسلی که شربت را شیرین کرده مربوط به کدام ناحیه‌است! این از یک ذهن آزاد و جلوبرمی‌آید. ازاطلمیان به نفس‌انسانی که هیچ عاملی جز خشیخت خدا توان آشفته کردن او راندند. آقا نابغه‌ای بود در امتداد اجداد، نمی‌شد دورش زد، نمی‌شد فریش داد، نمی‌شد تطمیعش کرد، نمی‌شد ترسانندش، نمی‌شده به‌جانش آورد و یا به اصطلاح جوگیرش کرد، نمی‌شد او را سیر اسباب‌ساز کرد، نمی‌شد او را درگیر خطای محاسباتی کرد. تمام در هیچ چیز نفخ نداشت، حتی به یک روز پیش‌تر ندیده ماندن در این دنیا، دشمن را دستکم یا دست‌بالا نمی‌گرفت، خودی را هم هم‌محظور، از همین است که می‌دانست کی باید جنگید و کی باید نجنبید. جامعه ایران را می‌شناخت، «همه جامعه ایران» را. در کنار تمام علوم ظاهری، مشخصات هدایت انواع و اقسام الیهامات غیبی بود. آیند برایش همچون گذشته هویدابود؛ آو آینده را هم همچون تاریخ می‌دانست. صحنه حال برایش روشن بود، به همین علت سردرگم نمی‌شد.

او را حتی نمی‌شد کشت. ترور یک رهبر در ۹۰ سالگی نشان‌دهنده این است که او تا سال‌ها امکان پیاده‌سازی برنامه‌هایش را داشته و دشمن نتوانسته او را متوقف کند. ترور فرمانده‌ای در کهن سالی نشانگر عدم توقیق دشمن در ترور او در سال‌های گذشته می‌دهد.

تنها واکنش دشمن واستکبار و صهیونیزم در برابر این رهبر بهت بود. آقایی چهاردهه،

یک در بسته دور برای دشمنان؛ کوهی بود آنچنان بلند که صدای جوش و خروش موج‌هایی که خود را به دامن‌اش می‌کوبیدند، اصلاً به قلعه‌ای نمی‌رسید. یاد عظمت مولای او و مولای خودمان نمی‌آفیم؟ علی‌بود که برنده عقل‌ها و فهم‌ها و درک‌ها را هرگز امکان‌آشیا نه ساختن بر فراز عز عظمتش نبود...

■ چهارشنبه ۲۶ فروردین ماه ۱۴۰۵ ■ ۲۶ شوال ۱۴۴۷ ■ ۱۵ آوریل ۲۰۲۶ ■

■ سال چهل و یکم ■ شماره ۱۱۳۶۶ ■ روزنامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی صبح ایران ■

■ @Resalatplus ■ 📧 📱 🌐 ■ www.resalat-news.com ■

نیویورک تایمز با پرده برداری از ۴ پیامد منفی تجاوزی محابای آمریکا به جمهوری اسلامی ایران که مستقیماً باعث تضعیف ایالات متحده شده و خواهد شد، شدیداً ترامپ را ملامت می کند

شکست تحقیر آمیز یک قمار



جدال لفظی و اتیکان با کاخ سفید

اسپانیا، صدای حق طلبی اروپا

همین عقبه محکم اخلاقی و سرمایه سیاسی بود که پدرو سانچز را در جریان بحران فوریه ۲۰۲۴ و حمله نظامی ترامپ به ایران، در موضعی مقتدرانه و کاملاً متمایز از سایر رهبران اروپایی قرار داد. پس از آغاز تهاجم نظامی آمریکا، در حالی که رهبران در لندن، پاریس و برلین با محافظه کاری و لفاظی های دیپلماتیک سعی در مدبریت افکار عمومی و فرار از مسئولیت داشتند، سانچز با قاطعیت این اقدام یک جانبه و خطرناک را محکوم کرد. او در مجامع مختلف اروپایی و بین المللی هشدار داد که ماجراجویی های غیر قابل پیش بینی رئیس جمهور آمریکانه تنها امنیت شکننده خاورمیانه، بلکه ثبات، اقتصاد و امنیت کل قاره اروپا را به خطر می اندازد. دولت اسپانیا با درک عمیق از پیوندهای پیچیده ژئوپلیتیک، با صراحت اعلام کرد که اروپا نباید به گروگان سیاست های انتخاباتی، بیپولیستی و موضع مستقل مادرید در قبال بحران های خاورمیانه، این کشور را عملاً به ساز ناکوک در درون پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) مبدل ساخته است. در ساختار نظامی و امنیتی ناتو که همواره تابعی از استراتژی کلان و منافع ملی ایالات متحده بوده است، رفتار مستقل اسپانیا یک چالش جدی برای هژمونی واشنگتن محسوب می شود. اسپانیا به عنوان یک عضو کلیدی که در جنوب اروپا قرار دارد و کنترل دروازه استراتژیک مدیترانه را در اختیار دارد، بارها با رویکردهای مداخله جویانه ناتو در خارج از مرزهای تعریف شده این پیمان مخالفت کرده است. اختلافات مادرید و بروکسل زمانی به اوج خود رسید که آمریکا تلاش کرد ناتو را به عنوان اهرمی برای اعمال فشار نظامی مستقیم بر کشورهای مستقل خاورمیانه به کار گیرد.

بیانیه های تنش را علیه ایران خودداری کرد و برخلاف برخی دولت های غربی که به بلندگوی پروپاگاندا ی جنگی تبدیل شده بودند، کاتال های غیر رسمی خود را باز نگه داشت و همواره بر ضرورت توقف فوری درگیری ها و بازگشت به میز مذاکره با فشاری نمود. این عدم همراهی اسپانیا با سیاست های خصمانه و یک جانبه گرایانه واشنگتن یک اتفاق خلق الساعه نبود، بلکه ریشه در تحولی بنیادین در دکترین سیاست خارجی مادرید دارد که نقطه آغازین و تبلور عینی آن را باید در مواضع این کشور در قبال نسل کشی اسرائیل در غزه جستجو کرد. طی دو سال پراشوب پس از عملیات هفتم اکتبر ۲۰۲۳، در روزهایی که ماشین جنگی رژیم صهیونیستی با حمایت همه جانبه نظامی و سیاسی آمریکا و سکوت شرم آور بسیاری از پایتخت های اروپایی، بی سابقه ترین جنایات را علیه غیرنظامیان فلسطینی رقم می زد، پدرو سانچز، نخست وزیر اسپانیا، به نماد بیداری وجدان اروپایی و صدای رسای حق طلبی تبدیل شد. در حالی که محور غربی تلاش می کرد اقدامات ویرانگر اسرائیل را تحت عنوان حق دفاع مشروع توجیه کند، دولت اسپانیا با ادبیاتی صریح و مستدل به لحاظ حقوقی، این اقدامات را مصداق بارز جنایت جنگی، پاکسازی قومی و نسل کشی نامید. تعلیق کامل و رسمی صادرات تسلیحات به سرزمین های اشغالی، پیشگامی در به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین در بهار ۲۰۲۴ در میان بهت و خشم تل آویوود در نهایت، بیوستن تاریخی به پرونده شکایت آفریقای جنوبی در دیوان بین المللی دادگستری، اسپانیا را در خط مقدم دفاع از حقوق بشر و حقوق بین الملل قرار داد. این تصمیمات شجاعانه که با حمایت گسترده افکار عمومی و تظاهرات میلیونی در خیابان های مادرید و سایر شهرهای این کشور همراه بود، به وضوح نشان داد که اسپانیا مسیر استقلال سیاسی را برگزیده و حاضر نیست شریک جرم سیاست های ارباب زاری باشد.

سفارت اسپانیا در تهران فعالیت خود را رسماً آغاز کرد. این بازگشایی که پس از برقراری آتش بس میان ایران و آمریکا صورت گرفت، صرفاً یک رویداد تشریفاتی و اداری نیست، بلکه نشانه ای روشن از تغییرات عمیق در ساختار سیاسی و ژئوپلیتیک قاره اروپا محسوب می شود. در بیانیه ای که روز دوشنبه از سوی این نمایندگی دیپلماتیک در شبکه اجتماعی اینستاگرام منتشر شد، جمله ای کوتاه اما پیاپی راهبردی به چشم می خورد که می گوید ما به تهران بازگشتیم. بازگشت آنتونیو سانچس بندیتو گاسپار، سفیر یادشاهی اسپانیا در ایران، به همراه تیم کامل دیپلماتیک و کارکنان محلی، گامی استوار در جهت تقویت تلاش ها برای تثبیت صلح و بازآفرینی فضای تعامل در منطقه ای است که به تازگی از لایه پرتگاهی هولناک بازگشته است. این اقدام دیپلماتیک در شرایطی انجام می شود که خاورمیانه تشنه رویکردهای عقلانی است و مادرید با این حضور زود هنگام، اراده جدی خود را برای ایفای نقشی سازنده و مستقل از دیکته های فرمانطقه ای به نمایش می گذارد. در تحلیل دقیق این رویداد، ابتدا باید به بستر زمانی و دلایلی که منجر به تعطیلی موقت این سفارتخانه شد پرداخت. در پی حمله نظامی دولت دونالد ترامپ به ایران در فوریه ۲۰۲۴، خاورمیانه در کام یک بحران امنیتی بی سابقه فرو رفت که امواج ویرانگر آن تمام معادلات بین المللی و باارزهای جهانی را تحت الشعاع قرار داد. در آن مقطع زمانی بسیار حساس و پیرالتهاب، ایالات متحده با اعمال فشار های بی سابقه بر متحدان اروپایی خود، خواستار قطع کامل شریان های ارتباطی و دیپلماتیک با تهران بود تا حلقه محاصره را تنگ تر کند. تعطیلی موقت سفارت اسپانیا و خروج کامل دیپلماتیک آن از پایتخت ایران در آن روزها، در واقع نه یک همراهی سیاسی یا کارزار جنگ طلبانه کاخ سفید، بلکه تصمیمی کاملاً عمل گرایانه و مبتنی بر پروتکل های امنیتی برای حفظ جان دیپلمات ها در شرایط جنگی و خطر گسترش درگیری ها بود. دولت اسپانیا حتی در فضای غبار آلود نیز از صدور

ابعاد خسارت ها و عدم النفع های بخش فرهنگ کشور ناشی از تجاوز دشمن آمریکایی- صهیونی

زخم عمیق تجاوز دشمن بر فرهنگ ایران